

درس هفتم: در حقیقت عشق

قلمرو زبانی: معنی واژه، املا و دستور

معنی واژه:

۱- پروانه قوت از آتش خورد خوراک، رمق، نیرو (ش ۹۹)

۲- محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند. نهایت (دی ۹۹)

املا:

۱- در عبارت زیر، یک نادرستی املائی وجود دارد؛ آن را بیابید و شکل درست آن را بنویسید.

■ پس عشق از بحر این معنی، فرض راه آمد. بهر

- ۱- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید. (ش ۹۸)
 ■ عشق حقیقی، دل و جان را پاک می‌گرداند. **عشق: نهاد / پاک: مسند**
- ۲- نقش دستوری واژه‌ی مشخص شده را بنویسید. (دی ۹۸)
 ■ عشق حقیقی، دل و جان را پاک می‌گرداند. **مفعول**
- ۳- الگوی ساخت کدام جمله «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است. **گزینه ب** (دی ۹۹)
 الف) زیبایی محبوب تو چند روی بیش نیست.
 پ) در این سفر ستارگان را با درخشندگی جاودان خود می‌بینم. (ت) عشق از بهر این معنی فرض راه آمد.
- ۴- الگوی ساخت کدام جمله «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است. **گزینه ت** (خ ۹۹ تجربی و ریاضی)
 الف) عشق حقیقی، دل و جان را پاک می‌گرداند. (ب) محبت به غایت را عشق خوانند.
 پ) برخی عاشق را دیوانه می‌پندارند. **(ت) عشق از بهر این معنی فرض راه آمد.**
- ۵- در نوشته «بدان که از جمله نام‌های حُسن یکی «جمال» است و یکی «کمال». و هرچه موجودند، از روحانی و جسمانی، طالب کمال‌اند. و هیچ کس نبینی که او را به جمال میلی نباشد»
 الف) یک مورد حذف فعل بیابید و بنویسید. **حذف فعل «است»، یکی کمال (است)**
 ب) مرجع ضمیر «او» را تعیین کنید. **هیچ کس**

قلمرو ادبی (آرایه های ادبی)

- ۱- در عبارت «بدان که از جمله نام‌های حُسن یکی جمال است و یکی کمال». کدام واژه‌ها «سجع» دارند؟ **جمال، کمال** (ش ۹۹)

قلمرو فکری: معنی و مفهوم نظم و نثر، درک مطلب و تناسب معنایی

- ۱- در عشق قدم نهادن کسی را مسلّم شود که با خود نباشد: **پیمودن راه عشق (قدم در راه عاشقی گذاشتن) برای کسی امکان دارد که به فکر خودش نباشد.** (خ ۹۸)
- ۲- عشق به همه جایی مأوا نکند و به هر دیده، روی ننماید: **عشق در هر جایی پناه نمی‌گیرد (عشق در دل هر کسی جای نمی‌گیرد) و به چشم هر کسی نمایان نمی‌شود.** (خ ۹۹ تجربی و ریاضی)
- ۳- در عشق کسی قدم نهد کس جان نیست: **کسی می‌تواند به عالم عشق وارد شود که به خودش توجه نداشته باشد. (از جان خود بگذرد.)** (خ ۹۹ انسانی)
- ۴- در عالم پیر هر کجا برنایی است **عاشق با دا که عشق خوش سودایی است: در این دنیای سال خورده، هر کجا جوانی هست، الهی عاشق باشد زیرا عشق دیوانگی خوشایندی است.** (ش ۹۹)
- ۲- عین القضاة، در عبارت «حیات از عشق می‌شناس و ممات بی عشق می‌یاب»، چه چیز را سبب ادامه زندگی می‌داند؟ **عشق (ش ۹۸)**
- ۳- با توجه به عبارت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.
 «محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند. عشق خاص‌تر از محبت است و محبت خاص‌تر از معرفت است. به عالم عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.»
 الف) سهروردی شرط دستیابی به عالم عشق را چه می‌داند؟ **ساختن دو نردبان از معرفت و محبت**
 ب) نهایت محبت چه نام دارد؟ **عشق**